

امنیت هویت‌محور بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از منظر امام خمینی(ره): فراسوی دولت - ملت محوری

* مرحوم نبی‌الله ابراهیمی

E-mail: ebrahimiir@modares.ac.ir

** محمدحسین جمشیدی

E-mail: jamshidi@modares.ac.ir

*** سیدمحمدرضا صیفی

E-mail: m_seifi@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۷

چکیده

امنیت هر جامعه‌ای از دو بعد ملی (درون‌مرزی) و بین‌المللی (برون‌مرزی) تشکیل می‌شود. هرچند امنیت ملی رکن اساسی حفظ و بقای دولت - ملت محسوب است، اما امروزه به دلیل پیچیدگی روابط بین‌جوامع اهمیت و کارکرد امنیت بین‌المللی افزایش یافته، به‌گونه‌ای که امنیت ملی در هر جامعه‌ای پیوند تام با امنیت بین‌المللی آن جامعه دارد. هدف این نوشتار، بررسی اندیشه امام خمینی(ره) در باب امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. بر این مبنا، سؤال اصلی نوشتار این است که فرادولت‌گرایی و فرااستفالیایی‌گری بر مبنای اندیشه امام(ره) چگونه می‌تواند برای تحقق امنیت بین‌المللی ایران به‌کار گرفته شود. استدلال پژوهش حاضر این است که با توجه به پسااستعماری بودن اندیشه‌ی امام(ره) در باب امنیت بین‌الملل (که ما آن را فرااستفالیایی‌گرایی می‌نامیم) در گفتمان ایشان نوعی نگاه دین‌محور و اخلاق‌گرایی هنجاری مستتر است که براساس آن امنیت بین‌الملل را تعریف می‌کند و ویژگی‌های آن را با تکیه بر عدالت، وحدت، انسجام و مقابله با نظم هژمونیک ظالمانه‌ی موجود بیان می‌کند. در این نوشتار نخست، چهارچوب مفهومی گفتمان سیاست خارجی امام(ره) و سپس ابعاد گوناگون این گفتمان در آیستار سیاست خارجی ایران بررسی می‌شود و در آخر چگونگی تأثیر نگاه امام بر خوانش امنیت بین‌المللی مورد نظر وی بیان می‌شود.

کلید واژه‌ها: امام خمینی(ره)، امنیت بین‌المللی، پساهازی، پسااستعماری، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی.

* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

** عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده‌ی مسؤول

*** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس



مقدمه و طرح مسأله

امنیت، رکن اصلی و ضامن حفظ و بقای هر جامعه و نظام سیاسی است. بنابراین مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا یک کشور را باید تأمین امنیت آن جامعه و افراد دانست (روشندل، ۱۳۷۴: ۳). امنیت در حقیقت بیانگر وجود احساس آرامش و امید نسبت به آینده و وضعیت پیش‌رو در تمام ابعاد وجودی فرد و جامعه و ارتباط او با محیط است و از این حیث مفهومی بس وسیع و گسترده را دربرمی‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی هر واحد سیاسی، امنیت برون‌مرزی یا امنیت بین‌المللی آن واحد است. امروزه هر تحولی در جهان سیاست و اقتصاد و فرهنگ بر تمام اجزای جهان تأثیر می‌گذارد. از این حیث امنیت هر کشوری مسأله‌ای بین‌المللی و نه صرفاً داخلی محسوب می‌شود.

امنیت خارجی هر کشوری برون داد تعامل دیالکتیک عوامل مادی محیطی و زمینه‌های فرهنگی، هویتی و تاریخی آن با محیط بین‌الملل است. در این میان، فرهنگ ملی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ساخت هویت ملی، انگاره‌های ذهنی نخبگان، نقش و منافع ملی و جهت‌گیری و راهبردهای سیاست خارجی است. این مسأله به واسطه‌ی جداناشدنی سیاست خارجی در حلقه‌های به هم پیوسته اجتماعی و تأثیر عناصر فرهنگی هویتی در شکل‌گیری و تحول سیاست خارجی به وجود آمده است (موسوی‌زاده و جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

در این ارتباط، اعتقاد بر این است که اسلام در همه زمینه‌ها از جمله نظام حکومتی، که سیاست خارجی را نیز شامل می‌شود، نظر، برنامه، آموزه و راهبرد دارد. از منظر امام خمینی (ره)، اسلام دینی است فراگیر، جهانی و همیشگی که برای مرزهای ملی ارزش ذاتی قائل نیست. به همین دلیل، «حفظ منافع ملی» مطرح در نگرش مدرن اصل اولیه سیاست خارجی اسلام نیست. به عبارت دیگر، در عرف بین‌المللی، مفاهیم مرز، حاکمیت ملی و جمعیت و تابعیت تعاریف خاص خود را دارد که در اسلام به جای مفاهیم یاد شده، مفاهیم دیگری مطرح شده است. هم‌چنین شالوده‌ی سیاست خارجی در اسلام، بر قواعد الزام‌آور فقهی یا شرعی استوار است. با توجه به این‌که اصل حفظ منافع ملی، زیربنایی‌ترین و کلی‌ترین اصل سیاست خارجی عرفی عصر مدرن است، اصول دیگر تماماً رنگ حفظ منافع ملی را به چهره دارد؛ لکن در فقه سیاسی اسلام اصل دیگری به نام حفظ و امنیت دارالاسلام حاکم است که اصول دیگر در پرتو آن رنگ می‌گیرد. با این تفسیر، امنیت ملی نیز در اسلام مفهوم خاصی پیدا می‌کند و امنیت



یک جامعه اسلامی به امنیت کل جهان اسلام وابسته می‌شود. به بیانی: «در برداشت اسلامی، امنیت امت اسلامی به جای امنیت ملی و مصالح جامعه اسلامی، به جای منافع ملی گسترش می‌یابد.» (ولی‌پورزرومی، ۱۳۷۸: ۳۴۴).

مسئله امنیت جامعه اسلامی و دارالاسلام مورد توجه محققان جهان اسلام به‌ویژه امام خمینی (ره) بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است. امام خمینی با نگرشی آرمان‌گرا در عین توجه به واقعیات و درک مقتضیات توجه به امنیت را بر مبنای عدالت و معنویت متعالی و جهان‌بینی اسلامی مورد تأکید قرار داده است. بر این مبنای، هدف اصلی این نوشتار، بررسی اندیشه امام (ره) در باب امنیت بین‌المللی جامعه اسلامی است. سؤال اصلی این نوشتار نیز این است که چگونه نگرش امت‌گرایی، فرادولت‌گرایی و فرااستفالیایی‌گرایی مطرح شده در اندیشه امام (ره) می‌تواند در باب امنیت بین‌المللی مورد بررسی و تحقق قرار گیرد؟ فرضیه‌ی پژوهش این است که مسئله‌ی امنیت پسا‌هابزی و افقی و معنوی مورد نظر امام خمینی (ره) باعث خلق گفتمان سیاست خارجی اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران شده است که دارای ابعاد هویت‌گرایی دینی - ملی، عدم تعهدگرایی، مبتنی بر اخلاق و عرفان متعالی و همه‌جانبه و انسانی است.

برای بررسی این فرضیه نخست، چهارچوب مفهومی گفتمان سیاست خارجی امام (ره) بررسی می‌شود و سپس ابعاد مختلف این گفتمان را در ایستار سیاست خارجی ایران و در نهایت چگونگی تأثیر آن بر خوانش امنیت بین‌المللی مورد نظر امام خمینی (ره) نشان داده می‌شود.

۱- چهارچوب مفهومی: گفتمان فرارنالیستی و فراییده‌آلیستی سیاست خارجی امام (ره)
واقع‌گرایی سرشت بشر را کمال‌ناپذیر می‌داند. «بدین سبب، دولت‌مردان مؤظف هستند برای ممانعت از اختلاف و کشمکش و یا تقلیل منازعات و تأمین امنیت در روابط بین‌الملل به اصل «موازنه قدرت» پناه ببرند. با توجه به ملاحظات مذکور، اصول واقع‌گرایی را می‌توان از جمله، دولت‌محوری، قدرت‌محوری، موازنه قوا، عقلانیت و روند تکاملی ضد انقلابی برشمرد. درنهایت، این رویکرد، نوعی «سیاست منازعه» است» (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

در برابر مکتب واقع‌گرایی با نگاه بدبینانه، مکتب آرمان‌گرایی با نگرش خوش‌بینانه نسبت به ذات بشر قرار دارد. این رویکرد، سیاست همکاری و یک‌پارچگی را پیشه‌ی خود ساخته است. به واقع، آرمان‌گرایان هر نوع تلاش خشونت‌آمیز و زور جهت پیشبرد



مقاصد سیاسی را عملی مذموم و گناه‌آلود ارزیابی کرده برای جلوگیری از جنگ و برقراری صلحی پایدار، تقویت حقوق و تحکیم سازمان‌های بین‌المللی را پیشنهاد می‌کند (کاسمی، ۱۳۷۶: ۹۹۱). جامعه‌ای که آرمان‌گرایان در نظر دارند، جامعه‌ای است که در آن با توجه به مبانی ارزشی اخلاقی، قوانین مناسب برای تنظیم روابط وضع می‌شود. قوانینی که حقوق مشروع هیچ کسی نادیده گرفته نمی‌شود. هیچ عضو جامعه جهانی نگران نخواهد بود که مورد تهاجم قرار گیرد و یا منافع مشروعش قربانی مطامع و منافع دیگران شود. بدون تردید، با نبود این نگرانی، احساس امنیت خواهد کرد (ماندل، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

در کنار این دو فراروایت، فراروایت دیگری به نام «نگرش اسلامی» توسط امام خمینی (ره) در عرصه‌ی مسائل بین‌المللی مطرح شد که در منطق ساختار بین‌الملل تشکیک کرد و با به چالش کشیدن نگرش‌های مطرح و غالب و نیز هژمونی بین‌المللی، گفتمان نوینی با مبانی اسلامی و ارزشی مطرح کرد. گفتمانی توحید محور و مبتنی بر عدل و قسط (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). به عبارت دیگر، نگرش اسلامی و ارزشی به نظام بین‌الملل، متأثر از نوع نگاه به ماهیت انسان و غایات وجودی او بود. در قاموس اسلامی آنچه اصالت دارد، ارزش‌ها و سجایای معنوی و متعالی است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۶). از این رو حرکت تکاملی انسان و جامعه بشری را به سمت امنیت، ثبات، صلح و عدالت می‌راند. مشخصه‌ی بارز این رهیافت که سرشت انسان‌ها را به عنوان کارگزاران صحنه‌ی روابط بین‌الملل، آمیخته از نیروهای متمایل به خیر و نیکی و پستی و شرارت می‌داند، ارائه‌ی الگویی است که در آن تلفیقی از دو حالت واگرایی و همگرایی، ترادف و تضاد، تنازع و تراکب، انبساط و انقباض، اساس روابط میان واحدهای سیاسی را تشکیل می‌دهد. طرح این الگو از سوی رهیافت اسلامی سبب می‌شود که ضمن دور بودن از افراط و تفریط موجود در دو رهیافت قبلی، روابط بین‌الملل را براساس واقع‌نگری و جامع‌نگری ویژه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. به واقع، رهیافتی که با انقلاب اسلامی و تفکرات امام خمینی (ره) مطرح شده است، به دلیل محتوا و مفادش مانند تأکید بر نقش دین، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و توسعه‌ی همه‌جانبه، یک نمونه منحصر به فرد در میان ایدئولوژی‌های انقلابی و به‌عنوان بدیل برای رهیافت‌های مسلط بر عرصه بین‌الملل است. به همین دلیل از جذابیت ویژه در میان مسلمانان جهان برخوردار است (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

بنابراین، از آنجا که رهیافت اسلام‌گرایی خصلتی جهانشمول و مرزگشا برای خودش تعریف کرده است و نیز از آنجا که جهان‌بینی آرمان‌ساز و آرمان‌خواه دارد،



رسالت این رهیافت اسلامی و اهداف فراملی و فراسرزیمینی منتج از آن هم مبتنی بر هدایت و سعادت کل بشری است (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۵) سرانجام، با طرح نظریه‌ی اسلام‌گرایی و حکومت اسلامی و نیز رهیافت انقلاب اسلامی، یک پادگفتمان در برابر گفتمان‌های مسلط در عرصه جهانی ایجاد شد که در بنیان گفتمان‌های دیگر لرزه افکنده و نگاه‌ها را به سمت خودش جلب نموده و رهاوردش، گسترده شدن قلمرو مخاطبان و قائلان به این دیدگاه بوده است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۰).

بر این مبنا می‌توان نگرش امام خمینی (ره) در حوزه‌ی مسائل بین‌المللی را نگرشی غیر از وضع موجود برخاسته از عصر مدرن یا نگرش وستفالیایی و هابزی - به‌ویژه در حوزه امنیت - قلمداد کرد؛ یعنی نگرشی که ما آن را در این نوشتار فراوستفالیایی می‌نامیم. اندیشه‌ی فراوستفالیایی امام (ره) در تمام ابعاد بر اخلاق محوری در روابط بین‌الملل تأکید دارد. از این حیث امام خمینی بی‌تردید یک آرمان‌گرای بزرگ است و هرگز اخلاق را در مصالحه با قدرت، قربانی نمی‌کند و به دنبال اخلاقی کردن سیاست در داخل و روابط میان ملت‌ها است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۸). البته این بدین معنا نیست که امام تماماً از عنصر قدرت غافل و به آن بی‌توجه است، بلکه ایشان به شدت به روابط قدرت در عرصه بین‌المللی حساس بودند. علاوه بر این براساس مبانی فلسفی و عرفانی امام (ره)، قدرت فی‌نفسه شر نیست، بلکه جلوه جمال و پرتو جلال الهی است. با این حال ایشان در عرصه سیاست، اعم از داخلی و خارجی به دنبال پیوند اخلاق و سیاست بودند و بی‌گمان در این زمینه پیشرو آرمان‌گرایان هستند (خدادی، سایت بصیرت، ۱۳۹۳).

امام خمینی (ره)، برای رسیدن به امنیتی انسانی و فراگیر و عدالت بین‌المللی، معادله دنیا را که بر گفتمانی مونولوگ و واحد استوار بود، بر هم زد و با طرح حیات معنوی و باطنی برای بشریت و ارائه مدل دقیق و کارآمد حکومت اسلامی، عملاً انسان تک‌ساحتی (ر.ک.: مارکوزه، ۱۳۹۴) و حیات تک‌ساختی و تک‌بعدی غرب را به چالش کشید و اعلام کرد که فضای غیرمعنوی غرب نمی‌تواند برای همیشه ماندگار و جاویدان باشد و بشر غربی روزی از زندگی در فضای مادی خسته می‌شود و ناگزیر به معنویت روی می‌آورد. از نگاه امام خمینی (ره) بشر امروز به دوران جدایی مادیت از معنویت پایان بخشیده است. چشم‌انداز اندیشه‌های امام (ره) تنها در بُعد نظری و تئوریک محصور نمانده است، بلکه در حوزه عمل هم شاهد اثرات واضح اندیشه‌های امام (ره) هستیم. امام خمینی (ره) جسارت و شهامت انتقادکردن در برابر قدرت‌ها را به دیگر



رهبران جهان و دیگر کشورها انتقال داد و عملکرد نظام بین‌المللی را زیر سؤال برد. چشم‌اندازهای تفکرات امام را می‌توان این‌گونه احصا کرد:

- وحدت کشورهای اسلامی و آزادی خواه؛

- اصلاح عملی نظم دو قطبی؛

- نقادی ساختار نظام بین‌الملل توسط کشورها؛

- اصلاح تصور جهانی از ابرقدرت‌ها (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۰).

در منظومه فکری امام خمینی (ره)، چشم‌انداز تشکیل امت واحده جهانی و جهانی شدن حاکمیت اسلام، ظرفی است که مظلوف صلح و امنیت جهانی را در خودش می‌گنجاند. واقع، نگاه صعودی ایشان، رسیدن به امت واحد جهانی است. بنابراین، چشم‌انداز آرمانی امام خمینی، وحدت امت اسلامی و اتحاد جمیع مسلمین جهان بود. داشتن نگاه فرا و استغالیایی برای انقلاب اسلامی و حرکت فراسرزمینی و فراملی انقلاب، منجر به ظرفیت‌سازی و بسترسازی برای صدور ارزش‌های انقلاب بر مبنای اصل دعوت اسلامی (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۴۶۸) شده است. این رویکرد باعث شده که تضاد و تنازع جای خودش را به ترادف و تراکب دهد. به عبارت دیگر، چشم‌انداز نهایی اندیشه امام (ره)، تحقق صلح جهانی است. در پناه تشکیل امت واحده جهانی، پیروزی کامل نیروهای خیر بر شر و جهانگیر شدن حاکمیت اسلام، صلح و امنیت پایدار جهانی میسر می‌شود. هم‌چنین، برای رسیدن به این چشم‌انداز، باید با استفاده از دو عامل اصلی «روحیه بسیج‌پذیری» و «خودآگاهی فعال»، غرب‌گرایی و غرب‌زدگی را به چالش طلبید و گفتمان «بازگشت به خویشتن» را بارور کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۵۶).

به‌طور بسیار واضح‌تر می‌توان گفت رهیافت فراواقع‌گرای امام (ره) مبتنی بر نوع و سطح مناسبات امام (ره) در صحنه خارجی براساس تجربه تاریخی و مطالعه وضع مسلمانان و مستضعفان جهان و درکی عمیق از سیاست و رفتار بازیگران این عرصه، به‌ویژه زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ بود. بنابراین امام خمینی به دنبال امتزاج عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی (به‌عنوان دو پایه عمده سیاست خارجی) بود اما نه آن‌گونه که به بهانه اخلاق‌گرایی، اصول عقلانی را در سیاست خارجی نادیده بگیرد. از این منظر است که چنان‌که در مقاطع مختلف نشان داده، در عین آرمان‌گرایی به تأمین منافع ملی نیز اهمیت می‌دهد. هم‌چنین، او به جهانشمولی اسلامی معتقد بوده و در این باب فرموده است:

«این معنا که گاهی اهل غرض و جهال آن را بیان می‌کنند یا نمی‌فهمند یا غرضی

دارند؛ زیرا تا انسان جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد نمی‌تواند بگوید که یک نظام باید از دنیا منزل باشد. ما با هیچ ملتی بد نیستیم. ما به حسب طبع اولیه می‌خواهیم با همه دولت‌ها دوست باشیم؛ می‌خواهیم که روابط حسنه با احترام متقابل نسبت به همه داشته باشیم و اگر چنانچه ما احتیاج به یک چیز داشته باشیم و آنها احتیاج به یک چیز داشته باشند تبادل کنیم؛ مگر این که دولت‌هایی باشند که با ما خلاف رفتار کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۵۲).

در این میان، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با تأثر از گفتمان امام(ره) خوانشی نو را در روابط بین‌الملل ایجاد کرد. خوانش امام را می‌توان خوانشی «انتقادی» با سویی دینی تفسیر کرد. انتقادی بودن گرچه در «روابط بین‌الملل» به معنای سکولاریستی و انکار عام‌گرایی است ولی در خوانش امام(ره) قرائت انتقادی غیرسکولاریستی، غیر هابزی، افقی و دین‌محور است. سوژه سیاسی و بین‌المللی در گفتمان امام برخلاف سوژه‌های بخش انتقادی‌های روابط بین‌الملل، غیرسکولار و خواهان تغییر و رهایی سیاسی با محور دین و مبارزه با استعمار است (دووال و وارادارجان، ۲۰۰۷: ۹۲).

بنابراین گفتمان سیاست خارجی و روابط بین‌الملل امام خمینی گفتمان هنجاری انتقادی اسلامی یا دین‌محور است که بر عدالت و امنیت بین‌المللی به‌عنوان دو هدف اصلی نظام بین‌المللی و بر مبنای توحیدگرایی بنا شده است. امنیت بین‌المللی در چنین نگاهی نه بر قدرت و توازن قدرت که بر عدالت و وحدت نوع بشر برپایه اعتقادی صحیح بنا می‌شود.

۲- امنیت بین‌الملل گرا/ امنیت امت محور

اهداف فراملی در پی آن است تا از منظری برون‌گفتمانی به تحقق و کاربرد متغیرهای محیطی خود اعم از داخلی و بین‌المللی پردازد. این دسته از اهداف با نگاه متعالی، درصدد نیل به اهداف راهبردی و بلندمدت است. در حوزه نگرش اسلامی این اهداف با تعالی‌نگری و قرب‌الی‌الله نیز پیوند یافته و در مبارزه با نظم موجود و تکیه بر ارزش‌گرایی در پی رسیدن به نظم مطلوب است. به بیانی دیگر، شالوده‌شکنی نظم موجود جهانی، کفرستیزی و محو نظام‌های مستکبر و الحادی در سطح بین‌الملل، ابتناء سیاست خارجی بر هنجارها و ارزش‌ها، ضرورت صدور انقلاب اسلامی و حمایت از نهضت‌های ضدامپریالیستی جهان و جایگزین کردن واحد «امت» به جای «دولت» -



ملت» (ازغندی، ۱۳۸۹: ۱۸۸) در رأس اولویت‌ها و اهداف فرااستفالیایی و فراسرزمینی امام خمینی(ره) قرار دارد. غایت‌مندی در اندیشه امام خمینی(ره) مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. ایشان با استقلال از دیگر مکاتب فکری، گفتمان اسلامی را با خودآگاهی مردم و بسیج‌پذیری مردم در پیوند با آموزه‌های اسلامی مطرح کرده است. در واقع، خود اتکایی و استقلال‌طلبی و بیداری اسلامی، در صدر اولویت‌های ایشان قرار دارد. بدین سبب امام(ره)، سیاست بدیلی با عنوان «نه شرقی و نه غربی» را مطرح کرده است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۳۲).

در آرا و افکار امام خمینی(ره) جهان‌گرایی، امت‌محوری، مستضعف‌گرایی و در نتیجه، نگاه فرامرزی به امنیت ملی موقعیتی کانونی دارد. این نگرش، که الهام گرفته از آموزه‌های دینی و مذهبی است، امنیت ملی ایران را با امنیت ملی جهان اسلام هم پیوند فرض می‌کند و وقوع هر گونه آسیب یا تهدید نسبت به امنیت، وحدت و منفعت کشورهای اسلامی را به منزله تهدیدی نسبت به امنیت ملی ایران می‌داند. به عبارت دیگر، از سازوکارهای امنیت سنجی ایران، بررسی امنیت و ارزیابی عوامل ناامنی جهان اسلام تصور می‌شود (کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

از دیدگاه امام خمینی(ره) وحدت و یکپارچگی مسلمانان جهان و گسترش شعاع بیداری اسلامی، که با توان‌افزایی ملل مسلمان همراه است، ضمن افزایش قدرت مقاومت در برابر آسیب‌ها و افزایش امکان مقابله با تهدیدها، قابلیت بازدارندگی و میدان‌مانور در خور توجهی را نیز به کشورهای اسلامی می‌بخشد. قدرت برخاسته از وحدت جهان اسلام، چنانچه با هدفمندی عملیاتی و با ترسیم استراتژی، برنامه‌ریزی و طراحی تاکتیک‌های واقع‌بینانه و روشمند همراه شود، توانی فراتر از هر قدرتی خواهد داشت و ضریب تهدیدزدایی و امنیت‌زایی را افزایش خواهد داد (کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). پس نگاه امام(ره) به مقوله قدرت و امنیت رویکرد جهانشمول و فراگیری بوده و انزوای طلبانه نیست، از این رو بر روابط عادلانه و منطقی با دیگران تأکید دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۵۶).

بنابراین، امنیت امت محور قائل به مقوله مرز به معنای وستفالیایی آن (که خوانشی عمودی و هابزی است) نیست. به بیان بهتر «امنیت جهان و طنانه امام»، رویکرد هنجاری و اخلاقی قابل بررسی است. اندیشه امام(ره) از امنیت در برگیرنده‌ی تأمین ثبات جوامع مستضعف و استعمار شده در دنیای اسلام و جهان سوم است. این خوانش از امنیت دربرگیرنده‌ی عنصر «انسانی» از امنیت است. انسانی شدن امنیت به معنای رد و انکار



امنیت دولت محور وهابزی است. انسانی شدن امنیت در اندیشه امام(ره) به طور قابل ملاحظه‌ای دین محور و هویت گراست.

۳- اندیشه دفاعی و جهادی امام خمینی(ره)

امام(ره) مدل نوینی از نظام سیاسی مطرح کرد که بر بنیان و ساختار اسلامی بنا شده است و در پی تغییر پایه‌های ساختارهای مسلط نظام بین الملل است. این مدل تعالی گرا و اخلاق محور مبتنی بر اصل توحید است و نگاه آن به انسان و کرامت اوست (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۸۹). این امر منجر به روی کار آمدن نسل چهارم نظریه پردازان در عرصه بین الملل شد که بر عامل فرهنگی تمرکز داشتند و در برابر نسل سوم نظرورزان که نسلی ساختارگرا و جبری بود، قیام کرد. امام خمینی(ره) به عنوان پرچم دار اسلام خواهی در عرصه بین الملل معرفی می شود و اندیشه هایش در عرصه جهانی، حکایت از ظهور و خیزش گفتمانی غیر از گفتمان های رایج داشته است؛ روایتی که برخی از نظریه پردازان از آن، به عنوان «خمینی گرایی» یاد می کنند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۳۲۸).

به طور قطع اندیشه دفاعی امام دارای چارچوب، سیستم و کلیت جامع است. دفاع در اندیشه امام خمینی(ره) ماهیتی الهی و انسانی دارد. ایشان در اندیشه دفاعی خود رویکرد دینی را برگزیده و روح مبارزه و حفظ انگیزه دفاعی را تبلور آموزه های دین و دینداری می داند. در دیدگاه امام(ره)، دفاع به عنوان تکلیفی واجب و الهی، واکنش مشروع انسان برای تضمین حیات مادی و معنوی و حفظ کرامت و شرف انسانی در برابر عوامل مهاجم است (امام خمینی، بی تا، ۱۳۹۰ هـ، ج ۱: ۴۸۷)، اندیشه های دفاعی امام(ره) محصور در مرزها نیست، آنچه که برای ایشان در بالاترین درجه اهمیت قرار دارد، دفاع از منافع جهانی اسلام است؛ چرا که محور اندیشه های دفاعی حضرت امام(ره) اسلام و آرمان های الهی است. در حقیقت گفتمان دفاعی ایشان بر پایه دفع تهدید همه جانبه از اسلام، جهان اسلام و نظام اسلامی معنا و هویت می یابد (ایوبی، ۱۳۹۳، سایت تحلیل ایران).

در زمینه ی ضرورت دفاع امام(ره) معتقد است: «نکته ی مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه ی هویت ها و ارزش های



معنوی الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقابله با ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر این‌که شما را از دیتان برگردانند، ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۹).

ماهیت اندیشه‌ها و آرمان‌های اسلامی، به گفته جیمز روزنا «مرزگشا است نه مرزافزا». در واقع، حضرت امام (ره) گفتگویی از اسلام پدید آورد که با تمام بداعتش، در سنت دیرینه اسلام ریشه داشت. قرائت ساختارزدای وی از اسلام، چهره‌ای ایدئولوژیک به اسلام بخشید که بازتاب تمامی دقایق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش بود. در مرکز گفتمان حضرت امام، اسلام یک دین متعالی است. غنای مفهومی و محتوای چنین دینی، تمامی فضاها و زوایای زیستمانی بشری را دربر گرفته و سیاست را نه جانشین، بلکه هم‌نشین دیانت کرده است و یک سیر هم‌افزایی بین آنها برقرار نموده که با سیمای عرفانی مزین شده بود و در نهایت، آن را در جایگاه راهنمای عمل نشانده است (تاجیک، ۱۳۷۷: ۶۹).

«پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و به‌ویژه امریکا را شکست و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت، یا پیروزی، که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چارچوب سیاست‌های حاکم و ظالم جهان‌خواران و نیز جسارت ایجاد داربست‌هایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید، و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شکوت همراهی نماید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۳). «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادیمان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان راه اندازیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۷).

۴- امام خمینی و فراسوی ملی‌گرایی: امنیت پساهازی

جست‌وجوی اصول بنیادین امنیت ملی در نگاه امام خمینی (ره) ما را به اصول زیر به مثابه کانونی‌ترین اصول امنیت ملی رهنمون می‌شود. این اصول عبارتند از: توحید محوری، حفظ نظام اسلامی، بیداری و وحدت جهان اسلام، استقلال (سیاست نه شرقی - نه غربی)، عدالت بین‌المللی، تشکیل حکومت جهانی اسلامی، حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان و امنیت انسانی. این اصول بیانگر نگاه امام خمینی به امنیت بین‌المللی و نقش قدرت و عدالت در تحقق نظام بین‌الملل است.



به قولی، از این اصول می‌توان چنین دریافت که برخی از اصول سویه برون‌گرایانه و بسط‌محور دارند و امنیت مردم، انقلاب و کشور را با حاکمیت همه‌جانبه احکام و تعالیم اسلام، انسجام، یکپارچگی و اتحاد مسلمانان و حمایت از محرومان در ارتباط تنگاتنگ قرار می‌دهند (کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). نگاه پساملی‌گرایی امام(ره) مؤید نگاه غیروستفالیایی و غیر‌هایزی ایشان از مقوله امنیت، مرز و ملت است. گرچه شاخص‌های عینی و عملی امام(ره) به مقوله ایران و تاریخ ایران مشهود است ولی ایشان تلاش کرده تا در سیاست خارجی به طور نمادین از جهان اسلام و دال اسلام استفاده کامل را ببرد.

بدین ترتیب، گفتمان اسلام‌گرایی امام، اسلام را دال برتر در اجتماعات مسلمین می‌داند همان نقشی را که واژه ملت در برخی از جوامع امروزی بازی می‌کند، اسلام نیز برای اجتماع مسلمین ایفاء می‌کند. اسلام به تاملت وحدت می‌دهد و نقطه‌ی مرکزی است که اجتماعات را با یکدیگر پیوند می‌دهد و تمامیت می‌بخشد. در این پیوند، دال برتر به‌عنوان انتزاعی‌ترین اصل عمل می‌کند و دیگر فضاها را گفتمانی توسط آن تاملت می‌یابند. به بیان دیگر، هر افق گفتمانی تنها به وسیله مجموعه‌ای از نقاط مرکزی تثبیت نمی‌شود، بلکه به مدد استفاده از یک دال است که تاملت آن ساخت بازنما می‌شود. بنابراین با این توضیحات اسلام‌گرایان، اسلام را به مثابه دال برتر می‌شناسند و تنها راه رفع مشکلات پیش‌روی مسلمانان را همین اسلام می‌دانند. به دست گرفتن قدرت سیاسی و تشکیل حکومت اسلام و هم‌چنین هویت ضد غربی و ضد نظم لیبرالی را در همین اسلام می‌یابند (ژیتک، ۱۹۹۳: ۸۸).

در نتیجه این گفتمان، با کار کرد ضد سلطه خود و با تأکید بر مفهوم‌هایی همچون، جامعیت دین، حکومت اسلامی، نظم اسلامی و هم‌چنین ادغام دین و سیاست در کل، دارای ابعاد قوی ایدئولوژیک است. به بیان دیگر و با تأکید بر ایدئولوژیک بودن گفتمان اسلام سیاسی می‌توان گفت که اسلام‌گرایی بازتاب صرف اسلام نیست، بلکه یک گفتمان سیاسی است که از قابلیت دسترسی اسلام به‌عنوان ابزار برای تضعیف رژیم‌های سکولار بهره می‌جوید. اسلام‌گرایی از قابلیت دسترسی اسلام استفاده می‌کند، اما در عین حال میزان قابلیت دسترسی اسلام را نیز افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، اسلام‌گرایی حول محور اسلام سازماندهی می‌شود و این روندی دو طرفه است (سعید، ۱۳۷۹: ۹۰).

در همین پیوند، نخستین وظیفه اسلام‌گرایی، طرح‌بندی خود به‌عنوان گفتمان ضد



هژمونیک دیگری است: یعنی برقرار کننده نظم. طبق گفته گرامشی قبل از این که یک نظم جدید شکل بگیرد، رژیم قدیمی باید ساقط شود (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۴۱). اسلام‌گرایی مد نظر امام(ره) در روابط بین‌الملل بدیع و نو است، نگاهی که مؤید گونه جدیدی از اسلام سیاسی است و به نوعی پوشش دهنده امنیت‌پژوهی مسائل بین‌المللی است. بازسازی اسلام از منظر امام(ره)، تداعی کننده مفهوم‌پردازی از امنیت بین‌المللی با رویکرد افقی و پسا‌هابزی است. به‌ویژه این که رویکرد امام(ره) قابلیت عبور از مرزهای ملی را دارد. نظر امام نسبت به مقوله‌ی ملی‌گرایی رقیق سلبی است.

امام خمینی(ره) معتقد است که «ملی‌گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد» و معتقد است بسیاری از این نوع دسته‌بندی‌ها، ساخته استعمار است. امام خمینی در مقابل، عناصر فکری و فرهنگی را عوامل اصلی هویت‌بخش ذکر می‌کند. براین اساس از نوعی واحد اجتماعی مبتنی بر فرهنگ تحت عنوان «امت» یاد می‌کند که می‌تواند پایه‌ای برای ایدئولوژی جمعی و هویت‌بخشی به انسان‌ها باشد (فوزی، ۱۳۷۹: ۲).

امام خمینی از امت به‌عنوان یک واحد کلان‌تر یاد می‌کند که ملت‌های مختلف را دربر می‌گیرد و عامل انسجام، وفاق و وحدت ملت‌ها، قبایل، نژادها و گروه‌های اجتماعی مختلف است. به‌عبارت دیگر با وجود کلیت خود، فروغ مختلفی همچون ملت‌ها، اقوام، نژادها، طوایف و گروه‌های اجتماعی را دربر دارد. این نگاه سلسله‌مراتبی امام به واحدهای جمعی، متأثر از دیدگاه فلسفی و عرفانی «وحدت وجود» نزد ایشان است که در آن پذیرش تکثرگرایی در اجزا، مانع وحدت آنان نمی‌شود و تکثر و تعدد هویت‌های جمعی را براساس مراتب وجودی آنها یک واقعیت غیرقابل انکار می‌شمرد که مانند نور درجات و مراتب مختلفی دارد و در عین اختلاف در شدت وضعف، از هویت واحدی نشأت گرفته‌اند (فوزی، ۱۳۷۹: ۲).

براساس دیدگاه امام(ره) هویت اصیل و با دوام، هویتی است که مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی و اعتقادی است و بر این اساس از امت به‌عنوان یک واحد کلان اجتماعی یاد می‌کند که توانایی هویت‌سازی بادوام را دارد. درواقع، امام(ره) نگاه و نگرش انبساطی و انطباقی و نیز نحوه کنش و واکنش کاربردی و عملیاتی نسبت به دین را جایگزین نگاه سلبی و منفی به دین کرد. رهنامه امام خمینی برای این عمل، تلفیقی از رهیافت ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی بوده است. این رویکرد، نوعاً تجلی و تبلور نظریه «وحدت در عین کثرت» ساختار بین‌الملل است که در آن تمامی روش‌های سازمانی و

سیاستی، اقتصادی، انتفاعی، اجتماعی و اجماعی باید در پیوند با پایه ارزشی واحدی به نام اسلام قرار گیرند. بنابراین امت، واحدی متشکل از ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی متنوعی است که «تکثر آنها عین وحدت» و «وحدت آنان عین کثرت» است. کار ویژه امت آن است که هویتی واقعی را برای آنان خلق می‌کند و هویت‌های کم‌رنگ‌تر همچون هویت منطقه‌ای، ملی، قومی و نژادی را با خود هم‌جهت خواهد کرد.

۵- نظم بین‌المللی از منظر امام خمینی (ره): از هدلی بول تا نظم پسا هابزی

مکتب انگلیسی و نماینده آن هدلی بول در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، خبر از شورش علیه غرب داد که مصداق آن می‌تواند «شورش جهانی امر معنا» علیه جهان مدرن باشد. هدلی بول سه موج این شورش را این‌گونه برمی‌شمرد. موج نخست، از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ است که ضد استعماری و برای کسب حاکمیت است. موج دوم از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ که کشمکش بر سر عدالت اقتصادی و برابری نژادی بود و بالأخره موج سوم کشمکش برای آزادی فرهنگی است که هدلی بول مصداق آن را با تأکید بر سنت و فرهنگ‌های متفاوت در جهان سوم تفسیر می‌کند (بول، ۱۹۸۴: ۱۳۳). از این‌رو، کشمکش فرهنگی خود باعث نوعی کشمکش جهانی برای اعتبار و عنصری مهم و تأثیرگذار در دهه ۹۰ میلادی شد. با شکست بسیاری از ایدئولوژی‌ها همانند ناسیونالیسم و مارکسیسم شاهد هستیم که گفتمان نولیبرال با شعار آزادی و بازارهای آزاد، جایگزین گفتمان سوسیالیسم شد. ولی این رویکرد خود زمینه‌های فاصله طبقاتی و عدم برابری را به وجود آورد. پس جست‌وجوی اعتبار برای جوامع غیرغربی نوعی توسعه رقابتی را به عنوان ابزار مهم علائق سیاسی پدید آورد. جست‌وجو برای اعتبار و هویت، سویه‌ای نوین را در سیاست کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. همان‌طور که اس.ان.ای ایستنتست^۱ بیان می‌دارد:

«بیداری جهانی دینی و تکثرگرایی فرهنگی از دیدگاه برخوردار تمدن‌ها، بنیادگرایی با افراط‌گرایی دینی، گویی که با مقاومت جهانی دینی راهی برای نشان دادن اعتبار و هویت خود به جهان مدرن است». او اضافه می‌کند: «مقاومت جهانی دینی، نه تنها پیش‌زمینه‌ای برای بازگشت به شکل‌های سنتی دین، بلکه زمینه‌ای رو به جلو برای بازسازی دین در جهان پست مدرن است.» (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵۲). در این میان، مقاومت

1. S.N. E. Istenstadt



دینی متقارن با بحث نظم پسالیبرال مدنظر امام(ره) شکل و هنجار جدیدی داشت. این هنجارنو، در گفتمان جهاد دفاعی ایشان مستتر و قابل استخراج است.

۶- مسائل امنیت بین‌المللی در نگرش امام خمینی(ره)

۶-۱- قسط اسلامی و امنیت بین‌المللی

اگر آن گونه که امام خمینی(ره) اعتقاد دارد، بپذیریم که بهترین نظم و نظام سیاسی - اجتماعی و حکومت مطلوب فقط بر پایه قانون یا احکام و شرایع الهی بنا می‌شود، (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴۵۵) در آن صورت همه نظم‌ها و حکومت‌های بشری، به درجات مختلف، آلوده نقص و عیب خواهد بود. فقط با برقراری حکومت اسلامی است که عدالت و قسط بر پا می‌شود. لازمه‌ی برقراری عدالت نیز کوتاه کردن دست قدرتمندان و زورگویان از قدرت سیاسی در داخل و خارج بلاد اسلامی است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). به عقیده امام(ره) یکی از اهداف اصلی بعثت انبیاء قیام بالقسط است:

«قیام بالقسط و مردم را به قسط وارد کردن مگر می‌شود بدون دخالت در امور سیاسی؟ ... اگر ایشان [پیامبر اسلام] هم به سرمایه‌دارهای مکه و حجاز کاری نداشت و توی مسجد می‌نشست و مسأله می‌گفت، جنگ پیش نمی‌آمد، کشتار نمی‌شد. عموی معظمش کشته نمی‌شد... اگر ما وحشت داریم باید طریقه‌ی انبیاء را کنار بگذاریم... دعوت همین نبود که بروند بگویند: آقا مسلمان شود؛ چنانچه نشد، دیگر بروند سراغ کارشان؛ نخیر، دعوت می‌کردند، با شمشیر توی سرشان می‌زدند تا آدم بشوند، کشته می‌دادند و می‌کشتند، مگر شهادت یک امری است که انسان برای آن عقب‌نشینی کند؟» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۱۵). در میان علل و عوامل گوناگونی که متفکران مسلمان معاصر برای انحطاط و ضعف مسلمین ذکر کرده‌اند، ترک جهاد جایگاه مهمی دارد (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). از دیدگاه امام(ره) نیز جهاد در قرآن پس از محبت خدای تعالی و رسول اکرم(ص) در رأس احکام قرار دارد و قرآن نسبت به آثار منفی ترک جهاد هشدار داده است:

«... جهاد فی سبیل‌الله در رأس تمام احکام است که آن حفظ اصول است و تذکر داده که در صورت قصور از جهاد، منتظر عواقب آن باشید از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزش‌های اسلامی و انسانی و نیز از تمام چیزها که خوف داشتید از قتل و عام صغیر و کبیر و اسارت و ازدواج و عشیره و بلیه‌هایی ست که همه‌ی اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۱۲).



از نظر امام خمینی (ره) یکی از وجوه شباهت ملت ایران و انقلاب اسلامی با صدر اسلام در اینجاست:

«ایران متحول شده بود که به یک ملت صدر اسلامی، یک جوان‌هایی مثل جوان‌های صدر اسلام که شهادت را برای خود فوز می‌دانستند، می‌گفتند شهید هم بشویم، سعادت‌مندیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۶۱).

بر این مبنا، قسط اسلامی و تلاش برای تحقق آن اصل بنیادین تحقق امنیت بین‌المللی است. با به چالش کشیدن بی‌عدالتی موجود در نظام بین‌الملل، زمینه تحقق چنین امنیتی فراهم می‌شود.

۶-۲- مسأله تهدید خارجی و امنیت بین‌المللی

خطّ مشی جمهوری اسلامی ایران در سیاست برون مرزی، نتیجه تجربه‌ی امام (ره) از نظم حاکم بین‌المللی در عصر استعمار در ایران و کشورهای مسلمان بود. به همین دلیل، در آغاز انقلاب، موضع امام در برابر دولت‌های استعماری، موضع روشن و شفاف یک پیشوای دینی مسلمان است که براساس قاعده نفی سیل، به هیچ روی اجازه اعمال نفوذ حکومت‌های غیرمسلمان را در قلمرو اسلام نمی‌دهد، بلکه با تأکید بر وحدت اسلامی، در اندیشه صدور انقلاب اسلامی است. اندیشه صدور انقلاب به‌عنوان راهبرد پیشگیرانه نسبت به تهدیدات بین‌المللی علیه ایران و جهان اسلام تفسیر می‌شود.

امام خمینی (ره) به کرات به تهدیدهای فرهنگی در سطوح مختلف راهبردی اشاره داشته و آن را از سایر ابعاد تهدید، خطرناک‌تر، پیچیده‌تر، پرنفوذتر و کارآمدتر دانسته‌اند: «فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ، فرهنگ استعماری و انگلی است و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از اسلحه این ابر قدرت‌ها برتر است.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳: ۳۰۶). «اجانب، به‌ویژه امریکا، در نیم قرن اخیر کوشش داشتند و دارند فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی و علمی ما را از محتوای اسلامی - انسانی - ملی خود خالی و به جای آن فرهنگ استعماری استبدادی بنشانند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۰: ۸۱).

بر این اساس تحقق امنیت بین‌المللی به مفهوم نفی تهدید در سیاست خارجی است؛ زیرا وجود تهدید در واقع مانع تحقق امنیت به معنای مورد نظر امام خمینی است. این است که ایشان بر نفی تهدید در تمام ابعاد آن و لزوم آمادگی برای بازدارندگی تأکید دارد.



۶-۳- امام خمینی و سازمان‌های بین‌المللی

فلسفه اصلی تشکیل سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، تأمین امنیت و صلح بین‌الملل از طریق ارتقای سطح همکاری‌ها، مدیریت جمعی مشکلات زیست بوم بشری، تحقق منافع مشترک اعضا و دفاع از حقوق شهروندان و دولت‌های مورد تجاوز است، اما چنانچه این سازمان‌ها با برخوردهای گزینشی و جانبدارانه سیاسی، به ابزار قدرت‌های ذی‌نفوذ تبدیل شوند، خود به سازوکار تهدید امنیت ملی کشورها مبدل خواهند شد (کریمی‌مله، بابایی و امیرخانی، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

امام خمینی (ره) نیز پس از بررسی تاریخ، تصمیمات و سیاست‌های اعلامی و اعمالی این سازمان‌ها و تجربه حضوری رفتار آنان در قبال جمهوری اسلامی ایران، بر خصلت ابزارشدگی و رفتار گزینشی آنان صحنه گذاشته و ضمن نفی فایده آنها برای ثبات و امنیت جهانی می‌فرماید:

«اصلاً مجامع بین‌المللی لفظی است در خدمت قدرت‌های بزرگ، نه در خدمت مظلومین و محرومین» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۴۸).

از نظر امام خمینی (ره): «دنیا امروز گرفتار جهان‌خواران و غارتگرانی است که کشورها را به آتش می‌کشند و غارت می‌کنند و نیز گرفتار وابستگان آنان است که منافع ملت‌ها و کشورهای خود را فدای منافع ابرقدرت‌ها می‌کنند و هم‌چنین، گرفتار سازمان‌های دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه امریکاست که با اسم بی‌محتوای شورای امنیت و عفو بین‌المللی و حقوق بشر و از این قبیل مفاهیم بی‌محتوا که به قدرت‌های بزرگ خدمت می‌کنند و در حقیقت مجری احکام و مقاصد آنان و مأمور محکوم نمودن مستضعفان و مظلومان جهان به نفع قدرت‌های بزرگ جهان‌خوار هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۳۰۶).

از این حیث لزوم استفاده از این مجامع به مثابه تریبونی برای بیان حقایق و ابلاغ پیام نظام اسلامی مورد نظر امام خمینی (ره) است. ایشان تأکید دارد که مجامع و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند تریبونی برای تحقق امنیت بین‌المللی از طریق بیان حقایق از سوی مستضعفان و ایفای نقش آنها در تصمیمات باشند.

۶-۴- ساختار امنیتی جمهوری اسلامی ایران و جامعه بین‌الملل

براساس نظر امام خمینی (ره) حفظ امنیت نظام ج.ا. بر مسائل دیگر الویت داشته و هیچ موضوعی برتر از آن قرار ندارد. در واقع به نظر ایشان، در حال حاضر نظام ج.ا. قلب



جهان اسلام است و کار خون‌دهی و تغذیه امت مسلمان را برعهده دارد و اگر این قلب از کار بیفتد، کل بدنه جهان اسلام در خطر مرگ قرار خواهد گرفت. با همه‌ی تأکیدی که امام(ره) روی اصل حفظ نظام ج.ا.ا می‌کند؛ اما این مسأله مانع از طرح ارتباط میان امنیت ایران با امنیت جهان اسلام نمی‌شود. اگر اعتقاد به حفظ نظام ج.ا.ا را اصل اسلامی «حفظ دارالاسلام» بدانیم، اصل دفاع از مسلمانان و مستضعفین جهان و دعوت آنها به اسلام حقیقی و قیام علیه حکومت‌ها در قالب کلی «صدور انقلاب» جای می‌گیرند و سیاست نه شرعی و نه غربی امام(ره) نیز به ترتیب در پیوند با پیروی و اجرای اصول «دعوت» و «نفی سبیل» (به‌عنوان اصول سیاست خارجی اسلام) قرار می‌گیرند. از این منظر نگاه وسیع امام(ره) در دفاع از محرومان و مستضعفان و فقرستیزی و برقراری عدالت اجتماعی، به طور طبیعی ایجاب می‌کند که ایشان این مسأله را بسیار فراتر از داخل مرزهای ایران و حتی فراتر از جهان اسلام مطرح کنند. ایشان معتقدند راهی که انتخاب کرده‌اند «آن روز به کمال می‌رسد که مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین خارج بشوند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۵۱).

امام(ره) تا آنجا پیش می‌رود که تشکیل جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی (وسیع‌تر از جهان اسلام) را برای سروری پا برهنگان جهان توصیه کرده و ضمن معرفی ج.ا.ا به‌عنوان پناهگاه همیشگی مسلمانان جهان، آمادگی این نظام اسلامی را برای تأمین نیاز سربازان اسلام اعلام می‌کنند (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۸).

اعلام آشکار حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌عنوان مصادیق بارز مستضعفین جهان تا ریشه کن شدن کفر و رسیدن آنها به حقوق حقه خود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۹۱) هر چند براساس معیارهای رایج در سیاست خارجی کشورها اقدامی غیرعادی است؛ ولی امام(ره) بارها به این نکته پافشاری کرده و آن را به‌عنوان سیاست اصولی نظام جمهوری اسلامی مطرح کردند و مهم‌تر آن‌که، دعوت از مسلمانان برای پیروی از اصول تصاحب قدرت را در جهان اقدامی لازم می‌دانستند:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروزی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکنند و جلو جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان



با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۸).

ساختار امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران با تأسی از ساختار معنایی امام(ره) خوانشی جدید را از امنیت ملی و بین‌المللی ارائه داده است. این الگوی نو با چالش‌های فراوانی روبرو شده که در بیشتر مواقع بر آن فائق آمده و توانسته با مدیریت بر بحران‌های امنیتی غلبه پیدا کند. این عناصر، تعیین‌کننده گفتمان جدیدی است که فقه سیاسی شیعه‌ی مد نظر امام(ره) را به مسأله امنیت پیوند زده است. این نگاه ساختاری امام به مقوله ساخت امنیت و دولت در ایران به طور فزاینده‌ای پسااستعماری و دین‌محور است. ساختار و منظومه فکری امام با تمرکز بر محوریت امنیت افقی، دین‌محور، معناگرا، مردم‌محور و امت‌گراست. ساختار امنیتی جمهوری اسلامی ایران با نگاه امت‌گرایی و تأکید بر هستی‌شناسی مقوله‌ی مستضعف تلاش کرده تا به همبستگی و همکاری بین‌المللی در جوامع مسلمان کمک بسیاری کند. برای نمونه تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی در جنوب لبنان از مصادیق این امر معنایی و نفوذ امنیتی است. هم‌چنین شعب کمیته امداد امام‌خمینی نیز یکی از سازه‌های این گفتمان امنیت‌زا است.

نتیجه‌گیری

دیدگاه نظری و اندیشه‌ای و نیز راهبردهای اتخاذی و عملی امام خمینی(ره) برای نیل به اهداف و آرمان‌های بین‌المللی مورد نظر اسلام، ضرورت استفاده از ابزارهای فرصت‌ساز و ظرفیت‌گستر برای نظام اسلامی و نیروهای انقلابی را ایجاب می‌کند. برای همین ابزارهایی که امام(ره) برای هویت‌سازی بدیل در عرصه بین‌المللی در نظر داشتند، هر دو قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را دربرمی‌گرفت. درواقع، ایشان ضمن تعریف اهداف ملی و درونی که با گفتمان درون‌گرا سر و کار داشته است، اهداف و مقاصد بین‌المللی و فراسرزمینی را هم به‌عنوان مهم‌ترین اصول و آموزه‌های اسلامی در نظر می‌گرفتند.

این نوشتار ابعاد مختلف اندیشه امام خمینی(ره) را در باب امنیت بین‌المللی بررسی کرد و براساس آن نشان داد که ساختار امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران با تأسی از نگرش معنایی امام(ره) خوانشی جدید از امنیت بین‌المللی ارائه داده است. خوانشی که ساختارهای جمهوری اسلامی ایران به طور فزاینده‌ای بر آن به واسطه ساختار معنایی و جهان‌نگری توحیدی تجسم یافته است.



از این حیث، نگاه امت‌گرای امام(ره) در مقابل نگاه‌های بازی و وستفالیایی از نظم بین‌المللی قابل تفسیر است. این نگاه که ما آن را فراوستفالیایی و فراهابزی امنیت می‌نامیم، پسااستعماری و اسلام‌گرا بوده و در بعد داخلی و بین‌المللی مؤید رابطه میان امنیت معنایی و متعالی و عدالت و آرامش انسانی با ساختارهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. همین ساختارهای امنیتی معرف سیاست خارجی هنجارگونه ایران است. هم‌چنین این نظم گفتمانی ابعاد مهمی از نظریه سیاسی حضرت امام(ره) را در باب امنیت بین‌المللی توضیح می‌دهد. چنین امنیتی در اصل نه بر قدرت و موازنه قدرت، بلکه بر عدالت بین‌المللی و وحدت و همبستگی جوامع بنا شده است که این دو خود براساس توحید و جهان‌بینی اخلاق‌گرای اسلامی تفسیر می‌شود. تحقق چنین امنیتی در گام اول منوط به وحدت مستضعفان، حمایت و همبستگی و انسجام میان آنها و قیام به قسط و مبارزه با نظام مسلط، تک‌بعدی و ظالمانه بین‌المللی است.



منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)؛ *چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چ ۱، تهران: نشر قومس.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)؛ *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۲۲ ج.
- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰ هـ)؛ *تحریرالوسیله*، قم: دارالکتب اعلمیه اسماعیلیان نحفی، ۲ ج.
- ایوبی، احسان (۱۳۹۳)؛ «سیری در جایگاه دفاع در اندیشه امام خمینی (ره)»، سایت تحلیل ایران، چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۳؛ رجوع شود به: <http://www.tahlileiran.ir/a/html291>.
- جعفری، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۱)؛ «اندیشه‌ها و راهبردهای اعمالی امام خمینی (ره) در نظام بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، س ۲۶، ش ۲، صص ۳۴۴-۳۲۵.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸)؛ *اندیشه سیاسی امام خمینی*، چ ۲، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- (۱۳۹۰)؛ *دیپلماسی پیامبر*، تهران: نشر بین‌الملل.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)؛ *هراس بنیادین (اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی)*، ترجمه‌ی دکتر غلامرضا جمشیدیها و موسی عبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹)؛ «امام‌خمینی و هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۴، صص ۱۸-۱.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۲)؛ «تحلیلی از جایگاه جهاد و جنگ در اندیشه امام خمینی (ره)»، *پژوهشنامه دفاع مقدس*، س ۲، ش ۷، صص ۱۱۱-۸۹.
- کریمی‌مله، علی؛ بابایی، اکبر (۱۳۹۰)؛ *امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۹۴)؛ *انسان تک‌ساحتی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ترجمه محسن مویدی، چ ۸، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)؛ *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه‌ی پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۳، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ملکوئیان، مصطفی (۱۳۸۹)؛ «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، ش ۲، صص ۳۰۵-۲۸۷.
- موسوی‌زاده، علی‌رضا؛ جاودانی‌مقدم، مهدی (۱۳۸۷)؛ «نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، دوره ۴، ش ۲ (پیاپی ۸)، صص ۲۲۵-۱۸۷.
- ولی‌پورزومی، سیدحسین (۱۳۷۸)؛ «جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س ۲، ش ۵، صص ۳۶۰-۳۴۰.
- Bull, Hedlly (1984); "The Rovoit Against the West", in *the Expansion of International Society*, (eds) Hedly Bull and Adam Waston (Oxford: Clarend on Press).
- Duvall Raymondand Latha Varadarajan(2007); "Traveling in Paradox: Edward Said and Critical International Relations", *Millennium - Journal of International Studies*, December, Vol 36, No 1, PP 83-99.
- Zizek, Slavoj (1993); *Enjoy your Symptom, Lacpues Lacan Hollywook and Out*. Londen, Routlede 1993.